

عنوان: بندر انزلی

منبع: دانشنامه جهان اسلام. ج ۴. ص ۲۷۵-۲۷۹

نویسنده: خسرو خسروی

گردآوری و تنظیم: مرکز اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

بندر انزلی، شهرستان و تالاب (مرداب)، و شهر و بندری در استان گیلان.

۱) شهرستان بندر انزلی (جمعیت طبق سرشماری ۱۳۷۵ش، ۱۱۹،۸۲۷ تن، که از آن میان ۹۸،۵۴۴ تن، ۸۲٫۲۳٪، شهرنشین و بقیه روستانشین بوده‌اند). در کرانه جنوب غربی دریای خزر، در شمال غربی استان گیلان واقع و مشتمل است بر بخش حومه (مرکزی) و دهستانهای چهار فریضه /فرضه، و لیچارگی حسن‌رود. از شمال به دریای خزر، از مشرق به بخش لشت‌نشا (در شهرستان رشت)، از جنوب به شهرستانهای رشت و صومعه‌سرا، و از مغرب به رضوانشهر محدود است. آبادیهای آن در دشت، در کنار مرداب و رودهاست. تالاب (مرداب) انزلی در جنوب و مشرق و مغرب، و جزایر طالقانی، پيله‌علی باغ و بهشتی (قلم‌گوده بزرگ)، قلم‌گوده کوچک و میان‌پشته در آن قرار دارد. از زیادهای انواع پرندگان و ماهی، خرگوش، شغال، گراز و روباه، و از گیاه‌های انواع درختان جنگلی است. محصول عمده آن برنج و کنف و صیفی و تره‌بار و میوه است. شغل اصلی مردم، زراعت، صید ماهی و شکار پرندگان است. در انزلی، شهرک دهکده ساحلی در سمت شرقی اراضی غازیان، پیش از انقلاب اسلامی (۱۳۷۵ش)، احداث شده است. راه اصلی رشت - آستارا، از طریق شهر و بندر انزلی، از آن می‌گذرد. یکی از آبادیهای بزرگ آن، کپورچال است که در حدود بیست‌کیلومتری مغرب انزلی، بر سر راه انزلی - هشتپر (طالش) - آستارا واقع است. شهرستان امروزی بندر انزلی، طبق قانون تقسیمات کشوری در ۱۳۱۶ش، به عنوان بخش (به نام بندر پهلوی) در شهرستان رشت (استان یکم) تشکیل شد. در بیستم شهریور ۱۳۲۲، بخشهای بندر پهلوی و سفارود، از شهرستان رشت جدا و تبدیل به شهرستان و تابع استان یکم شد. انزلی منطقه‌ای زلزله‌خیز است و گاهی آب دریای خزر در کرانه‌های آن پیشروی می‌کند.

۲) **تالاب (مرداب) انزلی.** بزرگترین مرداب دریای خزر، به عمق حدود سی تا نود سانتیمتر و مساحت تقریبی یکصد کیلومتر مربع، عمدتاً در شهرستان انزلی واقع شده که از پیربازار در مشرق تا مغرب شهرستان انزلی (نزدیک آبادی گلوگاه، حدود نه کیلومتری مغرب انزلی در دهستان چهار فریضه) امتداد دارد. مرداب در این حدود، بسیار نزدیک به دریای خزر است. تالاب انزلی از جنوب به شهرستانهای صومعه‌سرا و رشت، و از شمال به کرانه دریای خزر محدود، و مشتمل بر چند قسمت است: الف) بخش جنوبی یا تالاب سیاه کشیم که ظاهراً «کوسیستی» ویژه است. این تالاب محدود است از شمال به اراضی آبادیهای ماهروزه (شبه‌جزیره واری در امتداد شرقی - غربی مرداب انزلی)، از جنوب به صومعه‌سرا، و از مشرق به فومن و بخش مرکزی تالاب انزلی؛ ب) بخش مرکزی محدود است از شمال به بندر و شهر انزلی (بخش سوم مقاله)، از جنوب به صومعه‌سرا، و با تنگه‌ای به دریای خزر می‌پیوندد؛ ج) بخش غربی. محدود است از جنوب به زمینهای شمالی آبادیهای ماهروزه و آبکنار، از شمال به اراضی جنوبی دهستان چهار فیضه، و از مشرق به بخش مرکزی تالاب انزلی. حدود بیست رود به تالاب انزلی می‌ریزد، از جمله: بهمنبر، نرگستان، مرغک، خالکائی، پلنگ‌آور، ماسوله‌رودخان، ترغه‌رودبار، گازرودبار، هندخاله و پیربازار. از گیا، در زمینهای پیرامون مرداب: کنف، شب‌خُسب، جِگن، دیلکی، تلخ‌ه‌اش، آلاله، توسکا، هزارنی، نیلوفر آبی، لاله‌مردابی و چندین گیاه دیگر می‌رید که از نی آنها حصیر و زنبیل و سبد می‌بافند. از زیا دارای انواع ماهی (از جمله آزاد، سوف، سفید، خاویار، سیم، کولی، کپور، اردک‌ماهی) و انواع پرندگان (از جمله کاکایی نقره‌ای، قو، پرستوی دریایی، غاز، خوتکا، طرلان، انواع اردک و چنگر) است. بیشتر پرندگان آن مهاجرند و برای گذراندن زمستان به آنجا می‌روند. در کرانه‌های مرداب، مرغ و خروس و گاو و گاومیش پرورش داده می‌شود.

در آنجا بادهایی می‌وزد که عبارت است از: بیرون‌وا (از شمال) و سرتوک (از شمال شرقی) در بهار و تابستان و پاییز؛ خزری (از شمال و شمال غربی) در زمستان، که آنجا را طوفانی می‌کند؛ بیروت گیله‌وا که بارانی است و در پاییز و زمستان می‌وزد؛ و کنار گیله‌وا/ خشک‌وا (از مشرق).

در دوره قاجاریه و اوایل دوره رضا شاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) پیش از احداث راه اصلی رشت - بندر انزلی، کشتیها از دریای خزر و از راه تنگه، وارد مرداب انزلی می‌شدند و از آنجا تا پیربازار (پیش بندر رشت) پیش می‌رفتند و از پیربازار تا رشت خط آهنی

به طول هفت کیلومتر احداث شده بود. پس از ایجاد اسلکه و بارانداز در غازیان و احداث راه بندر انزلی - رشت - تهران و مرمت موج شکنها و ساختن دو پل، بتدریج راه دریایی انزلی - پیربازار از اهمیت افتاد.

۳) بندر و شهر انزلی (جمعیت طبق سرشماری ۱۳۷۵ش، ۹۸،۵۴۴ تن)، بزرگترین بندر شمال ایران، و مرکز شهرستان. در چهل کیلومتری شمال غربی شهر رشت (مرکز استان) واقع شده و شهر مرزی آستارا در ۱۴۹ کیلومتری شمال غرب آن است. میانگین حداکثر دمای آن ۲۸٫۶°، و میانگین حداقل دمای آن ۶٫۲° است. گاهی میزان بارش سالیانه آن به ۴۰۰ میلیمتر می‌رسد. باد شمالی از شهریور تا اواسط آبان، و بادهای بهاری و تابستانی در روز از مشرق و شبها از سوی جنوب غربی می‌وزد. بندر و شهر انزلی از سه قسمت عمده تشکیل شده که عبارت است از: غازیان، جزیره میان پشته؛ و قسمتی از انتهای شرقی دهستان چهار فریضه (که در گذشته به آن قصبه انزلی می‌گفته‌اند).

دو دماغه، از مشرق از انتهای زمینهای غازیان و از مغرب از انتهای زمینهای چهار فریضه، بندر و شهر را از دریای خزر جدا می‌کند. در آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)، در انتهای این دماغه‌ها دو موج‌شکن به نام «مول» ساخته شد (موج‌شکن شرقی به طول ۷۵۰ متر؛ غربی ۴۸۰ متر) و تعمیر آنها از ۱۳۱۴ش آغاز شد (←ایران‌شهر، ج ۲، ص ۱۴۸۰-۱۴۸۲).

دریای خزر با تنگه‌ای (بابی) به طول حدود هفتصد متر تالاب انزلی را از میان دو موج‌شکن به دریای خزر پیوند می‌دهد. این تنگه در نزدیک جزیره میان پشته به دو قسمت تقسیم شده است: یکی مستقیم به سوی مرداب جریان می‌یابد و دیگری جزیره میان پشته را از شمال دور می‌زند و پس از عبور از کنار تأسیسات سابق اقتصادی و شنبه‌بازار، به مرداب منتهی می‌شود. پل غازیان جزیره میان پشته را به غازیان، و پلی دیگر میان پشته را به قسمت غربی شهر انزلی متصل می‌کند (تاریخ ساخت پلها: ۱۳۱۵-۱۳۱۷ش). این پلها، به دلیل گذشتن کشتیهای دکل بلند بادبانی، ابتدا متحرک ساخته شده بود. رفت و آمد از غازیان به قسمت غربی، از تنگه با قایق (لوتکا) نیز صورت می‌گیرد. تأسیسات شیلات، و نیروی دریایی و اسلکه و بارانداز در غازیان، کاخ سلطنتی سابق (اکنون موزه نیروی دریایی) در میان پشته، بلوار و مغازه‌ها و مهمانخانه در قسمت غربی شهر قرار گرفته است. بلوار در امتداد کرانه تنگه قرار دارد. گاهی آب مرداب و زمانی آب دریا در تنگه جریان می‌یابد.

مهمانخانه‌ها و تأسیسات رفاهی و سکونتگاهها و مغازه‌ها و مراکز اقتصادی عمدتاً در قسمت غربی شهر در مغرب بلوار قرار گرفته است. رفت و آمد بین قسمت مشرق و مغرب شهر پیش از احداث پل (تا اوایل دورهٔ رضا شاه) با قایق صورت می‌گرفت، و امروزه گاهی با قایق رفت و آمد می‌کنند و کرانه‌های شنی، دریا را از شهر جدا می‌کند و از زیباترین استراحتگاههای ایران در تابستان شمرده می‌شود. بندر انزلی مسافران فراوانی می‌پذیرد. پلاژها در زمینهای شنی در امتداد کرانهٔ دریای خزر در این سو و آن سوی موج‌شکنها قرار دارند، و در پیاده‌روهای شهر درختان نارنج کاشته شده است. انزلی از ۱۳۰۴ ش تا ۱۳۵۷ش (پیروزی انقلاب اسلامی)، بندر پهلوی خوانده می‌شد (در ۱۳۱۴ش، فرهنگستان تغییر نام «انزلی» به «پهلوی» را رسماً تأیید کرده بود). در قسمت دیگر شهر انزلی، آبادی غازیان با هفت مسجد و چندین زیارتگاه قرار دارد، از جمله مسجد جامع مشهور به «مسجد خان»، و مسجد سرخی (احتمالاً بنای آن به طایفهٔ سرخی منسوب باشد) که چاه مقدّسی در کنار آن هست. بندر انزلی در سابق با کشتیهای ترکمنی (بادبانی) از طریق مرداب و پیربازار و رشت و دریای خزر، با آستارا و باکو و بندرگز پیوندهای اقتصادی داشت.

پیشینه. نام مرداب انزلی نخستین بار در ۸۶۵ به صورت «آب انزلی» آمده است. به نوشتهٔ مرعشی (امیره محمد رشتی از راه گسکر به فرضهٔ خُمام، به کشتی نشسته از آب انزلی بگذشت و بر رشت تاخت) (ص ۲۹۷؛ نیز ← ص ۳۵۴). در آن هنگام خمام به عنوان پیش‌بندر رشت، شاید هم پیش بندر قسمت غربی رشت اهمیت داشت، زیرا در ۷۰۶ به نوشتهٔ کاشانی، هُمام (= خمام) در ساحل قرار داشت (ص ۶۰). کاشانی مطالب خود را از زوزنی اخذ کرده و زوزنی مطالب خود را حدود ۶۵۲ نوشته است (رابینو، ۱۳۶۴ش، ص ۱۷۹). به نظر می‌رسد که دریای خزر در آن سالها در شمال گیلان پیشروی داشته است. امروزه فاصلهٔ مستقیم خمام با دریا حدود چهار کیلومتر است. بنابراین، مطالب سفرنامهٔ اولئاریوس (ص ۳۷) در نیمهٔ اول قرن یازدهم/نیمهٔ اول قرن هفدهم، که می‌گوید: «در همه دریای خزر تنها یک جزیره به نام انزلی [= انزلی] دیده می‌شود»، درست به نظر می‌رسد، زیرا در دورهٔ ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) به نوشتهٔ بُهَلر، فاصلهٔ مرداب در مغرب آن با دریای خزر [در نزدیکی گلوگاه، نُه کیلومتری مغرب انزلی] سی ذرع بود (ص ۲۱) که این فاصله به سبب عقب‌نشینی دریای خزر در آن دوره بوده، و ظاهراً در دوره‌های پیش خزر به مرداب می‌پیوسته است. نام قصبه و سپس شهر و بندر انزلی، از نام مرداب انزلی گرفته شده است (سرتیپ‌پور، ص ۵۶). در ۱۷۲۲/۱۱۳۵، نیروی اعزامی پطرکبیر به فرماندهی شیپوف، از روسیه وارد انزلی شدند و از طریق پیربازار به رشت

آمدند و در بیرون تنگه در دریا سه کشتی توپ‌دار مستقر کردند. حاکم گیلان، با کمک حاکم گسکر و آستارا، با حدود بیست هزار نفر که غالباً کشاورز مسلح به شمشیر بودند، با روسها مقابله کردند و سرانجام قشون روس گیلان را ترک کرد (لاکهارت ص ۲۷۶-۲۸۰؛ سرتیپ‌پور، ص ۵۸).

در ۱۷۷۱/۱۱۸۳، گملین قدمت آبادی انزلی را بیش از پنجاه سال ندانسته و افزوده است که به دو قسمت قدیم و جدید تقسیم می‌شود و بین آنها کلیسای آرامنه قرار دارد و تعداد ساختمانهای بندر به حدود سیصد می‌رسد (رابینو، ۱۳۶۶ش، ص ۱۵۰-۱۵۱). در ۱۲۰۱ قشون حاکم گیلان، امیر هدایت‌خان فومنی (اُتُرخان/ اُتُل‌خان)، در میان پشته با نیروی آقا محمدخان قاجار درگیر شد، اما شکست خورد و هدایت‌خان هنگام فرار به باکو کشته شد (مفتون دنبلی، ص ۱۹؛ سرتیپ‌پور، ص ۵۹) [به قولی روسها هدایت‌خان را به دشمن دیرینه‌اش دادند و او هدایت‌خان را به قتل رسانید]. ژوبر، فرستاده ناپلئون، که در این هنگام به ایران آمده، درباره وضع انزلی می‌نویسد: انزلی بیش از یکصد تا ۱۵۰ خانه چوبی پوشیده ازنی ندارد و تابع خانِ گسکر است (ص ۳۳۶). در ۱۸۰۵/۱۲۲۰، بار دیگر انزلی به دست روسها افتاد و قشون روس وارد پیربازار شدند، اما تفنگچیان گیلانی، به سرکردگی میرزا منجم‌باشی گیلانی، آنان را نابود کردند و بقیه‌السيف قشون روس ناچار به باکو عقب نشستند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳-۱۳۶۷ش؛ ج ۳، ص ۱۴۷۶؛ نیز مفتون دنبلی، ص ۱۵۸-۱۵۹). که در ۱۲۳۰، حکومت گیلان، از جمله بندر انزلی، در دست خسروخان گرجی (متولد تفریس) بود. او در انزلی بناهای فراوان ساخت (رابینو، ۱۳۶۶ش، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ سرتیپ‌پور، ص ۵۹) و نخستین توسعه یافتگی در بندر انزلی به دست او صورت گرفت تا پیوندهای اقتصادی - اجتماعی بیشتری با روسیه برقرار شود. در نتیجه، ایران از طریق بندر انزلی، با باکو و حاجی طرخان مناسبات اقتصادی پیدا کرد. از جمله بناهایی که در دوره خسروخان گرجی ساخته شد، دو قلعه در دو سوی دهانه تنگه، دو کاخ، راسته‌بازاری مشرق بر دریا و برج ۳۵ متری فانوس دریایی بود (رابینو، همان، ص ۱۵۴-۱۵۵؛ سرتیپ‌پور، همانجا). در ۱۲۳۵ به دستور میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله در انزلی قصری به نام «قصرمعدی» ساخته شد (لاهیجانی، ص ۲۰۹؛ رابینو، همان، ص ۱۵۲-۱۵۴).

به نوشته خودزکو (ص ۸۰) در ۱۲۵۶، جمعیت انزلی به هشتصد تن می‌رسیده، و در این هنگام شهر ۱۶۰ باب خانه داشته است (همان، ص ۱۰). در ۱۲۶۰، در زمان سلطنت محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴)، مهندس میرزا ابراهیم‌خان تبریزی دو قلعه پنج‌گوش در ساحل مرداب انزلی بنا کرد (رابینو، ۱۳۶۶ش، ص ۱۵۲). در ۱۲۶۹، در دوره سلطنت

ناصرالدین‌شاه، جمعیت انزلی بالغ بر سیصد خانوار بود و بازاری داشت که در آن بیشتر کالاهای روسی داد و ستد می‌شد (بهلر، ص ۱۶، ۲۲). به نوشته میرزا ابراهیم، در ۱۲۷۶ شهر انزلی دو محله و دو طایفه (طایفه سرخی که در اوایل دوره صفویه از ده سرخک در سه فرسنگی سمنان به این ولایت آورده شده بودند، و طایفه محمد رضی)، سه مسجد، سه تکیه، دو حمام و ۱۶۰ باب دکان داشت و مردمش همگی شیعه بودند و ترکی و فارسی هم می‌دانستند. وی از محصولات خربزه و هندوانه و حصیر میان‌پشته نام می‌برد و شغل اهالی را سَمّاکی و مالائی [=ملاحی؟، ماهیگیری] و کرجی‌بانی می‌نویسد. به گفته او، در انزلی و غازیان کمی ابریشم تولید می‌شده و در آنجا و توابع آن مرکبات فراوان به عمل می‌آمده است (ص ۲۰۰-۲۰۲؛ نیز ← ملگونف، ص ۳۱۶-۳۲۶). صادرات گیلان به روسیه (ابریشم و ماهی و خاویار و قالی) از طریق انزلی صورت می‌گرفته است. در ۱۲۷۸، به دستور ناصرالدین‌شاه، در انزلی مناره سرحد (فانوس بحری) ساخته شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش، ج ۳، ص ۱۸۴۲). در ۱۲۸۶، ناصرالدین‌شاه به عزم سیاحت گیلان حرکت کرد و پس از گذشتن از رشت، از طریق پیربازار، با حکیم طولوزان و دیگر رجال ایرانی با کشتی بخاری کوچکی از طریق مرداب انزلی به بندر انزلی رسید (ناصرالدین قاجار، ص ۳۰ به بعد).

ناصرالدین‌شاه بار دیگر برای سفر به اروپا، در ۱۲۹۰ به انزلی رفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش، ج ۳، ص ۱۹۳۹؛ همو، ۱۳۶۷-۱۳۶۸ ش، ج ۳، ص ۱۷۰۸-۱۷۱۰). در ۱۲۹۳، شیلات دریای خزر، از آستارا تا رود اترک، به استپان مارتینوویچ لیانازوف، بازرگان ارمنی تبعه روسیه، اجاره داده شد (دایره‌المعارف فارسی، ذیل «شیلات»). این امر باعث درآمد دولت، و اشتغال ماهیگیران در بندر انزلی شد، اما دشواریهای فراوانی نیز برای کشور به بار آورد. در ۱۲۹۴ بر اثر رونق گرفتن تجارت با روسیه، جمعیت انزلی افزایش یافت. در همین زمان به نوشته کارلاسرنا (ص ۲۹۳-۲۹۴) جمعیت بندر انزلی حدود هزار خانوار بود که اغلب اهالی ماهیگیر و باغدار و قایقران بودند و در فصل ماهیگیری، جمعیت شهر افزوده می‌شد. اهالی در کار شیلات هم به تهیه خاویار و نمک سود کردن ماهی می‌پرداختند. خانه‌های شهر [در قسمت غربی] در امتداد بازار قرار داشت. حصیربافی هم در شهر رایج بود. شهر دارای درختان نارنج و لیمو بود. در ۱۲۹۷، راه آهن ماوراء قفقاز، از بندر باکو در کنار دریای خزر به بندر باطوم در کنار دریای سیاه، احداث شد که به رونق تجارت و رشد شهرنشینی در بندر انزلی انجامید (← افضل‌الملک، ج ۱). از همین زمان، بتدریج بندر انزلی دروازه اروپا نام گرفت. در ۱۳۲۷،

پس از پایان استبداد صغیر، محمدعلی شاه (حک: ۱۳۲۴-۱۳۲۷)، از طریق انزلی به روسیه رفت. در ۱۳۲۹، بار دیگر قوای روسیه وارد (کتاب آبی، ج ۳، ص ۷۳۴، ج ۶، ص ۱۲۹۸). در شوال ۱۳۳۶، قشون انگلیس به فرماندهی دنسترویل در حمله به قفقاز، انزلی را تصرف کرد و به باکو لشکر کشید، اما پس از مدتی در باکو شکست خورد و به انزلی بازگشت (الیس، ص ۳۲-۳۳؛ مابری، ۴۳۲، ۵۲۱-۵۲۲؛ رایت، ص ۲۷۳-۲۷۴). در این زمان در گیلان جنگلیها مبارزات مسلحانه می‌کردند.

در ۱۲۹۹/۱۳۳۹ ش، که میرزا کوچک‌خان جنگلی، رشت را گرفت و آن را مرکز دولت مستقل خود اعلام کرد، انزلی به یکی از پایگاههای گروههای چپ تبدیل شد. پس از شکست نهضت جنگل، قشون رضاخان میرپنج (بعدها رضاشاه) در گیلان مستقر شد (دایره‌المعارف فارسی، ذیل «کوچک جنگلی»). پس از مدتی، در بندر انزلی، ساختن اسکله و بارانداز و تغییرات دیگر آغاز شد و انزلی به یکی از بندرهای بزرگ شمال ایران تبدیل گردید و همچنان دروازه اروپا نامیده می‌شد. در ۱۳۲۰ ش، پس از چند روز نبرد، نیروی نظامی اتحاد شوروی (ارتش سرخ، بعدها ارتش شوروی) وارد بندر انزلی شد و تا ۱۳۲۵ ش در آنجا بود و در این سال شمال ایران، از جمله بندر انزلی، از قشون خارجی تخلیه شد و نظام سابق برقرار گشت.

منابع: محمدحسن بن علی اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، چاپ محمد اسماعیل رضوانی، تهران ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش؛ همو، مرآه‌البلدان، چاپ عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران ۱۳۶۷-۱۳۶۸ ش؛ غلامحسین بن مهدی افضل‌الملک، کراسه‌المعی، نسخه عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی؛ چارلز هوارد الیس، دخالت نظامی بریتانیا در شمال خراسان ۱۹۱۹-۱۹۱۸، ترجمه کاوه بیات، تهران ۱۳۷۲ ش؛ نیکلاس امبرسز و چارلز پ. ملویل، تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران، ترجمه ابوالحسن رده، تهران ۱۳۷۰ ش؛ آدام اولئاریوس، سفرنامه آدام اولئاریوس: بخش ایران، ترجمه امود بهپور، تهران ۱۳۶۳ ش؛ ایران‌شهر، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲-۱۳۴۳ ش؛ ایران. وزارت کشور، قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران، مصوب ۱۶ آبان‌ماه ۱۳۱۶، تهران [بی‌تا]: ایران. وزارت کشور. اداره کل آمار و ثبت احوال، کتاب اسامی دهات کشور، ج ۱، تهران ۱۳۲۹ ش؛ ایران. وزارت کشور. معاونت سیاسی و اجتماعی. دفتر تقسیمات کشوری، سازمان تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۷۶ ش؛ بُّه‌لر، سفرنامه بُّه‌لر: جغرافیای رشت و مازندران، چاپ علی‌اکبر خداپرست، تهران [تاریخ مقدمه ۱۳۵۴ ش]؛ الکساندر خودزکو، سرزمین گیلان، ترجمه سیروس سهامی، تهران ۱۳۵۴ ش؛ دایره‌المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین

مصاحب، تهران ۱۳۴۵-۱۳۷۴ش؛ یاسنت لویی رابینو، فرمانروایان گیلان: مجموعه چهار گفتار پیرامون تاریخ و جغرافیای گیلان، ترجمه م.پ. جکتاجی و رضامدنی، رشت ۱۳۶۴ش؛ همو، ولایات دارالمرز ایران: گیلان، ترجمه جعفر خماسی زاده، رشت ۱۳۶۶ش؛ دنیس رایت، نقش انگلیس در ایران، ترجمه فرامرز فرامرزی، تهران ۱۳۶۱ش؛ حسینعلی رزم آرا، فرهنگ جغرافیائی ایران (آبادیها)، ج ۲: استان یکم (گیلان)، تهران ۱۳۵۵ش؛ برهان ریاضی، منطقه حفاظت شده سیاه کشیم: اکوسیستمی ویژه از تالاب انزلی، تهران ۱۳۷۰ش؛ پیرامده امیلین پروب ژوبر، مسافرت در ارمنستان و ایران؛ به انضمام جزوه‌ای درباره گیلان و مازندران، ترجمه غلیقلی اعتماد مقدم، تهران ۱۳۴۷ش؛ سازمان هواشناسی کشور، سالنامه هواشناسی ۷۴-۱۳۷۳، تهران ۱۳۷۵ش؛ جهانگیر سرتیپ‌پور، نامها و نامدارهای گیلان، رشت ۱۳۷۰ش؛ کارلاسرنا، سفرنامه مادام کارلاسرنا: آدمها و آیینها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران ۱۳۶۲ش؛ عبدالله بن محمد کاشانی، تاریخ اولجایتو، چاپ مهین همبلی، تهران ۱۳۴۸ش؛ کتاب آبی: گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، چاپ احمد بشیری، تهران ۱۳۶۲-۱۳۶۹ش؛ لارنس لاکهارت، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران ۱۳۶۴ش؛ م.م. لاهیجانی، جغرافیای گیلان، نجف ۱۳۸۹/۱۹۶۹؛ فردریک جیمز مابری، عملیات در ایران: جنگ جهانی اول ۱۹۱۹-۱۹۱۴، ترجمه کاوه بیات، تهران ۱۳۶۹ش؛ ظهیرالدین بن نصیرالدین مرعشی، تاریخ گیلان و دیلمستان، چاپ منوچهر ستوده، تهران ۱۳۴۷ش؛ مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵؛ نتایج تفصیلی استان گیلان، تهران ۱۳۷۶ش؛ عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنبلی، مآثر سلطانیه: تاریخ جنگهای ایران و روس، چاپ غلامحسین صدری افشار، [چاپ افسست تهران] ۱۳۵۱ش؛ گریگوری والریانوویچ، ملگونف، کرانه‌های جنوبی دریای خزر، یا، استانهای شمالی ایران، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران ۱۳۷۶ش؛ مسعود منوری، تالاب انزلی، رشت ۱۳۶۹ش؛ مؤسسه جغرافیائی و کارتوگرافی گیتاشناسی، اطلس راههای ایران، تهران ۱۳۷۴ش؛ میرزا ابراهیم، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و ...، چاپ مسعود گلزاری، تهران ۱۳۵۵ش؛ ناصرالدین قاجار، شاه ایران، روزنامه سفر گیلان، چاپ منوچهر ستوده، [تهران] ۱۳۶۷ش.